

پروفسور پزشکیان و درمان تجاوزشدگان جنسی گفتگوی نوشین شاهرخی با پروفسور نصرت پزشکیان

پروفسور نصرت پزشکیان (1933 کاشان) روانپزشک نامدار ساکن آلمان و بنیان‌گذار روش روان‌درمانی مثبت است. وی که با فرهنگ شرق و غرب آشناست، نه تنها روان‌پزشکی برجسته، بلکه ادیبی است اندیشمند که از ادب و فرهنگ در روش روان‌درمانی خود سود می‌جوید.

پروفسور پزشکیان با همیاری همسرش از ضرب‌المثل‌ها، داستان‌هایی مناسب درمان بیمارانش نگاشته که در کتاب "بازرگان و طوطی" به چاپ رسیده و به زبان فارسی نیز ترجمه شده است.

وی همچنین با نگاهی جهان‌شمول به فرهنگ می‌نگرد و به زیبایی نکات مثبت و منفی فرهنگ‌های شرق و غرب را ارزیابی می‌کند و فرهنگ نوبی از آن می‌آفریند و همین فرهنگ نوی چالشگر و خواندن اشعار و داستان‌ها را دستمایه‌ی درمان خود قرار می‌دهد.

در رابطه با تجاوزهای گسترده‌ی جنسی در زندان‌های ایران و راه‌های درمان تجاوزشدگان وی به گفتگو نشستیم.

رژیم جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر عریان‌تر از هر زمانی به سرکوب مخالفان خود می‌پردازد. یکی از شیوه‌ی های سرکوب زندانیان، تجاوز جنسی به زندانیان است، تا زندانیان را بیشتر بشکنند. نگاه شما به این مقوله چیست؟

برای ضعیف و دلیل کردن مخالف نه فقط در ایران، بلکه در اکثر نقاط مختلف دنیا از این روش استفاده می‌کنند.

در قاموس فرهنگی فیشر شرح داده شده که در 278 نقطه‌ی دنیا مردم تحت فشار و آسیب و تجاوز هستند.

کسی که به دشمن تجاوز می‌کند از آلت تناسلی خودش مثل اسلحه استفاده می‌کند. از این طریق می‌خواهد به طرف بیشتر درد وارد کند، ولی خودش نمی‌فهمد که خودش هم چه دردهای روانی خواهد کشید.

این شخص دیگر با همسر خودش نمی‌تواند رابطه‌ی مثبتی داشته باشد. یعنی قسمت وجدان درونش داغون می‌شود و اکثر اینها معالجات خیلی شدیدی لازم دارند، چراکه با ناراحتی وجدانشان روبرو می‌شوند.

من دو سال در آمریکا و آلمان در زندان‌ها کار کرده‌ام. در آنجا به من روشن شد که آنها از کرده‌شان پشیمان شده‌اند، اما نتیجه‌ای نگرفته‌اند و محیط هم به آنان کمکی نکرده.

این افراد ناراحتی‌های بزرگی بین درون و بیرون‌شان پیدا می‌کنند. دپرسیو و اگرسیو (افسرده و خشن) می‌شوند. خیلی کم از این افراد می‌توانند معالجه شوند. در مقابل کسانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، خیلی زودتر معالجه و درمان می‌شوند.

ما با داستان‌هایی به متجاوزان یاد می‌دهیم که از موقعیت خودشان مثبت استفاده کنند و اشتباهات گذشته را حل و فصل کنند. مردم وحشی را نمی‌توان ول کرد، بلکه تربیت صحیح احتیاج دارند و چون تربیت درست نیست نیاز به روان‌درمانی و مشاوره دارند، تا یاد بگیرند که:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک گوهرند

به این‌ها در بچگی یا تجاوز شده یا کنک و فحش بوده و یا با پدر رابطه‌ی انسانی نزدیک پدر - فرزندی نداشته‌اند.

البته باید دید که در مملکتی که نظم و قانون و دمکراسی وجود ندارد، این افراد هنگامی که در قدرت قرار گیرند، می‌توانند با الگوهای زندگی خود و احساسات‌شان همراه با زور و فشار از مردم سوءاستفاده‌ی جنسی و مادی کنند، بی‌آنکه مورد پیگرد قرار گیرند.

تجاوز با جسم و روح فرد چه می‌کند؟

فردوسی می‌گوید: چو شادی بکاهد، بکاهد روان / خرد گردد اندرمیان ناتوان
این افراد دیگر شاد و خرم نیستند، بلکه غمگین‌اند و این غم در چهار قسمت انسان اثر دارد.
قسمت جسمانی که بی‌خوابی و سردرد و آلرژی‌های مختلف است؛ فرد به کار و شغل خود
بی‌علاقه می‌شود؛ حافظه ضعیف می‌شود؛ رابطه‌ی اجتماعی فرد خراب می‌شود و وی دیگر
امیدی به آینده‌ی نزدیک و دور ندارد.

از آنجا که بسیاری از قربانیان تجاوز آنها پنهان می‌کنند، چگونه می‌توان پی برد که فرد زندانی مورد تجاوز قرار گرفته است؟

برای حل و فصل بهتر این موضوع از چهار تیپ نام می‌بریم. نخست افرادی که تمام وقت به آن
می‌اندیشند، این گونه بیشتر اگرسیو می‌شوند.

دوم افرادی هستند که در این باره حرفی نمی‌زنند و همه‌چیز را سرپوش می‌گذارند و درون را
می‌پوشانند. این افراد اغلب دچار ترس می‌شوند.

سوم افرادی هستند که موضوع را مورد بحث می‌گذارند ولی حاضر نیستند خوب حل و فصل
کنند و دچار دپرسیون (افسردگی) می‌گردند.

تیپ چهارم کسانی هستند که برای حل این زورگویی و سرکوب در تمام دنیا برمی‌آیند و نه تنها
به خودشان، بلکه به دیگران نیز خدمت می‌کنند.

چگونه می‌توان درد روحی تجاوز را التیام بخشید؟

ابتدا باید کنارشان نشست، حتی اگر نمی‌توانند حرف بزنند. ده دقیقه‌ای دست‌شان را گرفت،
نگاه کرد. فوری نباید اطلاعات کسب کرد. باید موقعیت را مغتنم شمرد و ضرب‌المثل و داستان
گفت.

حال درماندگان کس داند / که در احوال خویش درماند

باید گفت که شما خیلی درد و ناراحتی کشیده‌اید و می‌دانم که خیلی سخته، اما شما آگاه‌تر
شده‌اید و به احوال خودتون بهتر پی‌می‌برید.

در فانتزی را باز کنیم که آنها بتوانند حرف بزنند. آنها نیاز به کسی دارند که به آنان اطمینان
داشته باشند که حرف آنان را بیرون نبرد و به دیگران نگوید.

و فوری نباید راه نشان داد که این کار و آن کار را بکن و پیش این این برو.

آیا زندگی جنسی - عشقی فرد قربانی تجاوز برای همیشه تحت تأثیر لحظه‌ی تجاوز قرار خواهد گرفت؟

این افراد یواش یواش تعادل خود را می‌یابند. مهم این است که وقت و انرژی خودشان را برای
ورزش، غذای درست، دواهای لازم، کار مورد علاقه بگذارند و رابطه‌ی اجتماعی خود را ابتدا
بزرگ و با عده‌ی زیاد نکنند.

میان زنان و مردان قربانی تجاوز چه تفاوت‌هایی هست؟

خانم‌ها بیشتر ناراحتی‌های عواطفی پیدا می‌کنند و ترس و هول و افسردگی و ناراحتی چشم
دارند.

مردان بیشتر خشن می‌شوند و به ورزش و کار زیاد جذب می‌شوند و زخم معده و روده
می‌گیرند.

نقش خانواده و اطرافیان را چگونه می‌بینید؟

اول باید یک فرد خانواده مورد صحبت قرار بگیرد و نه خاله و عمه و دایی جمع شوند. بعد از سه
چهار جلسه می‌توان موضوع را با دیگران در میان گذاشت تا شخص ببیند که دیگران به حرفش
گوش می‌دهند و او را منفی نمی‌بینند.

البته باید داروهایی به این افراد داد که ناراحتی‌شان بیشتر نشود که در هورمون‌ها و مغز آنان اثر می‌کند تا فرد خیلی عمیق در افسردگی فرو نرود.

با کسانی که حاضر به یاری گرفتن از روان‌پزشک نیستند، چگونه باید برخورد کرد؟

یک فرد مورد اطمینان فقط روی موضوع شخص ناراحت برخورد کند.

با اشعار، داستان، مطالعه‌ی کتاب‌های خوب، ورزش (بویژه شنا)، آوازخواندن، 2 تا 3 بار دوش گرفتن در روز، خواندن شعرهای کودکانه، موزیک و نفس‌های عمیق می‌توان به شخص کمک کرد.

فرد یاد می‌گیرد یک نامه بنویسد به ناراحتی‌اش. یک نامه می‌نویسد به افسردگی؛ یکی به ترس؛ دیگری به خشمی که چگونه خودش را نمودار می‌کند و یا کسانی که با او صحبت کرده و کمک گرفته.

اگر فرد در خود فرومی‌رود و تمام مدت می‌خواهد تنها باشد، خانواده چه باید کند؟

نباید گفت بیا بریم مهمانی و یا من مهمان دعوت می‌کنم. باید گفت که چقدر خوبه که می‌خواهی تنها باشی و به این حالت شخص جنبه‌ی مثبت دهیم.

او مسائل درون خودش را دارد حل و فصل می‌کند و کسانی که فوری در اجتماع می‌روند و دائماً مهمانی و سفر هستند، یک جور از حل مسئله فرار می‌کنند.

در پایان چه پیشنهاداتی شما دارید؟

مادران یاد بگیرند به فرزندانشان نه فقط شیر و غذای گرم، بلکه تربیت انسانی - جسمانی - روحانی دهند که همه‌ی افراد خیلی چیزها را یکسان دارند.

اصل مسئله این است که ما می‌گوئیم دین من بهتر از دین دیگر و یا خاتم انبیاء است. بچه‌های همسایه را بچه‌ی جهود، ارمنی و بهائی نامیدن یعنی با شیر مادر چیزهای منفی را گرفتن و بعده‌ها به خود اجازه‌ی این کارهای شرمگین را دادن. گاهی ممکن است کسی با این تربیت پروفیسور هم شود، ولی از نظر عاطفی مثل بچه‌ی پنج‌ساله می‌ماند.

ما در یک عصر بزرگی آمده‌ایم که شرق و غرب باید دست در آغوش هم کنند و همکاری کنند؛ چیزهای نو یاد بگیرند؛ به حق و به دین دیگران احترام بگذارند. نه اینکه در ایران که یک کشور شیعه است، یک مسجد سنی نباشد. یا در ترکیه چگونه حق کردها پایمال می‌شود.

من از بچگی در هشت دین بزرگ شدم که در من خیلی اثر کرد. همه یک چیزی با هم دارند و با هم‌دیگر یکسان‌اند و هر دینی برای یک مدتی بوده. یک دین نمی‌تواند برای همیشه باشد، بلکه نسبت به اجتماع و زمان عوض می‌شود و تکامل می‌یابد. ادیان نیز چهار فصل دارند که پس از زمستان باید دوباره نو شوند.

دین اگر سبب الفت، همکاری، دوستی و محبت نباشد، بی‌دینی بهتر است.

30.08.2009

فایل های صوتی این گفتگو

<http://www.noufe.com/persish/seda/pezeshkian1.mp3>

<http://www.noufe.com/persish/seda/pezeshkian02.mp3>

<http://www.noufe.com/persish/seda/pezeshkian03.mp3>

<http://www.noufe.com/persish/seda/pezeshkian04.mp3>

